

به نام حق

نوشته شماره (۲): «ویژه متقاضیان شرکت در آزمون کارآموزی وکالت»

نکاتی که میخوام بهشون اشاره کنم، خیلی مهم و کاربردی هستن و به نوعی، قانون کار خودم بودن. البته، حرف های خود من نیستن و اکثراً از تجربه و کتب آموزشی دیگران به دست اوردم و عملاً استفاده کردم!

۱. یه داوطلب باید حواسش جمع باشه که درگیر واژه های «باهوش» و «کم هوش» نشه؛ در کل همه ما برابریم و قبول شده ها از دنیای دیگه ای نیومدن. بلکه همه همونایی بودن که با ما و در دانشگاه ما درس خوندن و موفقیت همه اونا مرهون تلاش بی وقفشونه، نه صرف هوش و استعداد؛

استعداد بزرگ، بدون وجود اراده بزرگ، وجود ندارد. «بالزاک»

۲. موفقیت به خود فرد بستگی داره، نه موسسات؛ همونطور که همه میدونن، تموم موسسات، هم فرد قبول داشتن و هم قبول نشده! حتی بهترین موسسات هم، همه داوطلباش نتونستن موفق بشن و بدترین موسسه هم برا خودش قبولی داشته؛

بنابراین این که فلانی تو فلان موسسه درس خونده و موفق شده، دلیل بر تضمین موفقیت از طرف اون موسسه نمیشه و حتی اگه موسسه ای بیشترین قبولی رو داشته هم نمیتونه دلیل بشه؛ چرا که همین موسسه (با بیشترین قبولی) نسبت به داوطلبایی که توی اون موسسه درس خوندن، درصد متوسطی و یا شاید کمی قبولی داشته؛

۳. یه داوطلب برای شروع به مطالعه، نباید منتظر شرایط (زمانی و مکانی) کاملاً خوب باشه؛ چرا که ممکنه هیچوقت شرایط باب میل به وجود نیاد! اکثر آدمای موفق تو شرایط سخت رشد کردن و تو همین شرایط جنگیدن و پیروز شدن؛

مطمئن باشیم اگه همش به دنبال تغییر شرایط (به سمت کمال مطلوب) باشیم، زمان رو از دست میدیم و از سایر رقبا عقب می مونیم؛ حتی اگه برا اولین قدم روزی یکی دو ساعت مطالعه کنیم، نباید دلسرد بشیم و به تدریج سعی کنیم این زمان رو بیشتر کنیم.

۴. با الگوگیری از این مثال: «نور خورشید صرفاً با جمع شدن توسط ذره بین، میتونه آتیش روش کنه!» یه داوطلب هم باید همه دار و ندارش قصد و عمل به موفقیت باشه؛ یعنی سعی کنه به موضوعات خارجی فکر نکنه و همه تمرکزشو بذاره برا مطالعه. و به تدریج عنصر یا عناصر مزاحم رو حذف کنه؛ «به قول دکتر فرحناکیان: تو دوران آمادگی برا این آزمون، سعی کنین عاشق نشین!»؛

✓ به هر حال تنها چیزی که روزانه توی ذهن و عمق وجود یه داوطلب جریان داره، باید این باشه: «موفقیت خودش رو تجسم کنه» و «به موفقیت خودش ایمان داشته باشه»؛

انسان به درستی همان می شود که به آن فکر می کند. «ارل نایتینگل»

۵. برخی از دوستان [داوطلبان] وقتی متوجه شدن من قبول شدم خیلی سریع به قبولی خودشون برا سالهای آینده امیدوار شدن. اما در مقابل، برخی کاملاً امیدشون رو کاملاً از دست دادن؛ این دو عکس العمل متفاوت فقط ناشی از قیاس نابجاس! چون گروه اول خودشون رو از من آماده تر و زرنگ تر می دونن و در واقع فکر می کنن شکل درس خوندن من، مثل زمان دانشگاه! بوده و از حقیقتِ فلاش من خبر ندارن! و گروه دوم هم فکر می کنن قبولی من معلول شرایط خاصی بوده و نمیتونن اندازه من تلاش کنن؛ همونطور که توی نوشتار نخست هم گفتم، من یه پیام نوری درس نخون بودم! که به محض تعیین هدف و شروع مطالعه، رویه رو تغییر دادم و خیلی سخت و سخت تر از دوران دانشگاه فلاش کردم؛ اما خدمت همه دوستان عرض کنم: به نظر من، قیاس تا جایی خوبه که متوقف نشیم؛ و نباید به شکلی باشه که توی یه حالت مغرورمون کنه [غرور کاذب]، و در حالت دیگه، تضعیف [ضعف کاذب]؛ که مطمئنم نتیجه هر دو صورت فوق «توقفه»!

در همینجا، بجاست که یه خاطره از سوم راهنمایی خودم بگم؛ سر جلسه یکی از امتحانات خردادماه، [که همون درس یکم برا من سخت بود]، یکی از دوستان از اول تا آخر آزمون از نوشتن دست نکشید و دوتا برگ سفید هم از معلم گرفت و دو طرف اونا رو هم پر کرد! این موضوع خیلی به من استرس وارد کرد و اون امتحان رو فقط بخاطر مقایسه خودم با اون دانش آموز از دست دادم. اما نکته مهم اینجا بود که اونم با این همه خودنمایی و برگه گرفتن و پاسخ دادن، در نهایت ۸ (هشت) شد و با هم رد شدیم!!!!!!

۶. موضوعی که برا مطالعه (رشته حقوق) بخصوص برا این آزمون اهمیت داره اینه که: باید روش مطالعه به شکلی باشه که توی مواد قانونی گم نشیم! همواره باید بیاد داشته باشیم که توی کدوم فصل از کدوم قانون هستیم و چه موضوعاتی تو این فصل هستن و ماده چند تا چند رو باید الان بخونیم. اگه بدون توجه به موضوع و فصل (بالانگری و تسلط) مطالعه کنیم، قطعاً گیج کننده است و به تسلط واقعی نمی رسیم؛

۷. نکته مهمی که مضموناً از کتاب «قورباغه رو قورت بده» نقل می کنم اینه که: بهتره کارهای بزرگ رو به

اجزای کوچکتر تقسیم کنیم و از هیبت و بزرگی مجموع کار نهراسیم؛

برا مثال بهتره یه کتاب حجیمی مثل حقوق مدنی رو جزء جزء بخونیم؛ خود من، تمام عقود رو ابتدا از هم جدا کردم و فرض می کردم فقط باید همین یه عقد کوچیک رو بخونم، و وقتی بهش مسلط می شدم می رفتم برا عقد بعدی و و جزواتشون رو هم همینطوری درست کردم که بعدها به هم چسبوندم و هر مدنی رو از سایر مدنی ها تنظیم کردم. و نتیجه این شد که مدنی رو توی آزمون اصلی خیلی خوب بودم و البته حقوق جزا رو هم به همین خاطر عالی تر زدم.

یک متر، یک متر، سخت است، ولی یک سانتیمتر، یک سانتیمتر، مثل آب خوردن است. «ضرب المثل انگلیسی»

۸. یکی از روشهای یادگیری من این بوده و هست و خواهد بود! وقتی مطالعه میکنم اگه به یه موضوع مجهول

یا مبهمی برخورد کنم، اون رو روی وایتبرد یا دفترم یادداشت میکنم و همیشه در معرض دید میذارم تا به جوابش برسم و یا برام رفع ابهام بشه؛ [حتی موضوعی که مطمئنم اهمیت آزموننی نداره]؛ امیدوارم این روش و نکته های فوق، خاص من نباشه و همه ما، با هم به مقصود مطلوب برسیم.

در پایان خدمت همه دوستان عرض کنم که واقعاً هیچ ادعایی در زمینه آموزشی ندارم، و این نکات و فایل pdf ۹ صفحه ای گذشته، فقط تجربه ام بوده که امیدوارم به دست دوستان لایقم برسه و مورد استفاده قرار بگیره و متعاقبش نتیجه رضایت بخشی در انتظار باشه.

کسی که دارای عزم راسخ باشد، جهان را مطابق میل خود تغییر می دهد. «گوته».

با آرزوی موفقیت و شادکامی

داود بلدی

فروردین ۱۳۹۵

من هرگز خسته نمی شوم؛
به هر تعداد که لازم باشد قدم بر می دارم.